



مطالعات اسلامی

مجله علمی - پژوهشی

نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی

۷۹

پیاپی ۱۳۸۷

ISSN 1010-4992



ویژه

فقه و حقوق اسلامی

بازجستی در ادله عبادت زکات و خمس / دکتر حمد باقری
مبانی نظری مسئولیت مدنی متصرف در مال غیر / دکتر محمد سزادونی نسب
بررسی فقهی شرکت گروهی در قتل یک نفر / دکتر محمد حسین شعبانی
قلمرو ناپت و متغیر، دشواریها و فرضیه‌ها / دکتر حسین صابری
پژوهشی پیرامون حد سفر شرعی / عبدالکریم عبداللهی
نقد و بررسی مستندات قانون مجازات اسلامی در خون‌بهای مسلمان / محمد جواد عنایتی راد
دکتر علی مظفر فرانسکی - دکتر سید محمدرضا امام

پژوهشی پیرامون حدّ سفر شرعی*

عبدالکریم عبداللہی

دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: Abdolahi-K@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر، مشتمل بر بیان حدّ مسافت شرعی یا استناد به مفهوم لغوی سفر، مفاد روایات و دیدگاه برخی از فقہان است مبنی بر این که ملاک و میزان در تحقق مسافت موجب قصر نماز در سفر شرعی، پیوندن حدّاتّل یک روزه راه معمولی با وسائل عمومی است به گونه‌ای که موجب مشقت و خستگی شخص مسافر شود تا از باب تخفیف و تسهیل، نماز را کوتاه بگذارد.

کلید واژه‌ها: حدّ سفر، مسافت شرعی، قصر نماز.

پژوهشی پیرامون حدّ سفر شرعی*

عبدالکریم عبداللهی

دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: Abdolahi-K@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر، مشتمل بر بیان حدّ مسافت شرعی با استناد به مفهوم لغوی سفر، مفاد روایات و دیدگاه برخی از فقیهان است مبنی بر این که ملاک و میزان در تحقق مسافت موجب قصر نماز در سفر شرعی، پیمودن حدّ اقلّ یک روزه راه معمولی با وسائل عمومی است به گونه‌ای که موجب مشقّت و خستگی شخص مسافر شود تا از باب تخفیف و تسهیل، نماز را کوتاه بگذارد.

کلید واژه‌ها: حدّ سفر، مسافت شرعی، قصر نماز.

*.تاریخ وصول: ۱۳۸۴/۱۰/۱۱؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۵/۹/۲۹.

مقدمه

یکی از مسائل مورد اتفاق در میان فقهای اسلامی، اصل ثبوت مشروعیت قصر و کوتاه‌گزاردن نماز در سفر شرعی است که با اجتماع شرایطی نمازهای چهار رکعتی، شکسته می‌شود و یکی از آن شرایط، مسافت و حد سفر شرعی است که این مقاله درصدد بیان آن می‌باشد، و پیش از آن، چند نکته را که در نتیجه‌گیری این مقاله دخالت دارد، یادآور می‌شود:

مفهوم لغوی سفر

واژه «سفر» در مقابل «حضر» به معنای پیمودن مسافت و از جایی به جایی رفتن است. جوهری می‌نویسد: «السفر: قطع المسافه».

در *مصباح المنیر* آمده است: «السفر و هو قطع المسافه، يقال ذلك إذا خرج للارتحال».

جوهری از برخی از نویسندگان نقل می‌کند که: کمترین سفر، یک روز است. در *المفردات* آمده که «سفر» به معنای پرده برداری کردن، بروز نمودن و آشکار شدن است (راغب اصفهانی، ماده «سفر»).

مفهوم عرفی سفر

دیدگاه برخی از عالمان اهل سنت مانند محمد عبده و محمد رشید رضا این است که صدق سفر منوط به نظر عرف است و از نظر عرف صدق سفر با توجه به تغییر ابزار زندگی و وسائل نقلیه متغیر می‌شود.

از این رو اگر کسی در روزگار ما با اتومبیل یا هواپیما، مسافت طولانی مانند یک یا چند روز راه عصر قدیم را در مدت کوتاهی طی کند و برگردد، عرفاً به او مسافر نمی‌گویند بلکه می‌گویند به گردش و تفریح رفته است (رک: *المنار*، ۱۵۱/۲).

مستندات قصر نماز در سفر

فقها برای کوتاه گزاردن نماز در سفر، به کتاب، سنت و اجماع استناد کرده‌اند (طوسی، *الخلافا*، ۵۶۷/۱؛ علامه حلی، *تذکرة الفقهاء*، ۳۴۹/۴؛ ابن قدامه، ۱۸۸/۲؛ جزیری، ۴۷۲/۱؛ زحیلی، *الفقه الاسلامی و ادلته*، ۱۳۳۷/۲). در قرآن کریم (نساء/۱۰۱) آمده است: «و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلاه ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا ان الکافرین کانوا لکم عدواً مبیناً»؛ هرگاه سفر کنید بر شما گناهی نیست که نماز را کوتاه گزارید، اگر می‌ترسید که کافران شما را به بلا افکنند، همانا کافران، دشمن آشکار شما هستند.

با توجه به اینکه در آیه مزبور، قصر نماز در سفر، مقید به قید ترس از خطر دشمن است، گفته شده است که:

از این تقیید توجیه‌هایی ارایه شده که از آن جمله است:

۱- ممکن است قید یاد شده غالبی^۱ باشد، یعنی چون غالب سفرهای آنان با ترس و نگرانی همراه بوده، از این رو دارای مفهوم نیست و مانند قید «فی حجورکم» در آیه ۲۳۶ سوره نساء است.

۲- ممکن است آیه شریفه، متضمن دو قضیه و دو حکم باشد، یعنی «و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلاه» درباره سفر باشد و «ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا» درباره نماز خوف، نازل شده باشد.^۲ در سنت نیز دلایلی بر وجوب قصر نماز در سفر وجود دارد.

شیخ صدوق، به سند صحیح از زراره و محمد بن مسلم روایت کرده است که آن دو گفتند:

به امام باقر(ع) عرض کردیم: چه می‌فرمایید درباره نماز سفر چگونه و چند

۱. نک: طبرسی، ۱۰۱/۳؛ فاضل مقداد، ۱۸۵/۱؛ رازی، ۲۲/۱۱؛ زحیلی، *الفقه الاسلامی و ادلته*، ۱۳۳۷/۲.

۲. نک: زحیلی، *التفسیر المنیر*، ۲۳۸/۵.

رکعت است؟

فرمود: خداوند عزوجل می‌فرماید: «هر گاه سفر کنید بر شما گناهی نیست که نماز را کوتاه گزارید»، پس کوتاه گزاردن نماز در سفر همچون تمام گزاردن نماز در حضر، واجب است.

گفتند: عرض کردیم: خداوند عزوجل فرموده است: «بر شما گناهی نیست» و نفرمود: انجام دهید (یعنی به لفظ امر نفرمود که نماز را کوتاه گزارید تا واجب باشد)، پس چگونه کوتاه گزاردن نماز را در سفر، واجب کرده همان‌گونه که تمام گزاردن نماز را در حضر واجب کرده است؟

امام باقر(ع) فرمود: مگر خداوند عزوجل درباره سعی میان صفا و مروه نفرمود: «هر که حج یا عمره گزارد گناهی بر او نیست که میان آن دو سعی کند» آیا توجه ندارید که سعی میان صفا و مروه واجب است، زیرا خداوند عزوجل آن را در کتاب خود یادآور شده و پیامبرش آن را انجام داده است، همچون کوتاه گزاردن نماز در سفر، چیزی است که پیامبر(ص) آن را انجام داده و خداوند متعال آن را در کتاب خود یادآور شده است، (بنابراین اصل جواز کوتاه گزاردن نماز در سفر، مستفاد از آیه قرآن، و وجوب آن، مستفاد از سنت پیامبر(ص) است).

گفتند به امام باقر(ع) عرض کردیم: کسی که در سفر، نماز شکسته را تمام و چهار رکعت بخواند، آیا باید نماز را اعاده کند و دوباره بخواند یا نه؟

فرمود: اگر آیه تقصیر و کوتاه گزاردن نماز در سفر، بر او خوانده و تفسیر شده و (با این وصف) چهار رکعت گزارده، باید اعاده کند، و اگر آیه تقصیر بر او خوانده نشده و آن را نمی‌داند، بر او اعاده نماز لازم نیست.

همه نمازها در سفر (به اندازه) فریضه است که هر نمازی دو رکعت است مگر

نماز مغرب که سه رکعت است و کوتاه گزاردن نماز در آن نیست، رسول خدا(ص) آن سه رکعت را در سفر و حضر به حال خود گذاشت.

رسول خدا(ص) به نقطه « ذی خُشْب » که در مسافت و فاصله یک روز راه از مدینه (و به عبارتی) دو برید که برابر با ۲۴ میل می‌باشد - سفر کرد، نماز را کوتاه گزارد و روزه را افطار کرد و این مسافت سنت گردید.

پیامبر خدا(ص) گروهی که روزه داشتند - در زمانی که آن حضرت، افطار کرده بود را گناه‌کار نامید.

امام باقر(ع) فرمود: آنان تا روز قیامت گناه‌کارانند، و ما پسران آنان و پسران پسران آنان را تا امروز می‌شناسیم.^۱

صاحبان صحاح سته به جز بخاری (منصور علی ناصف، ۲۹۵/۱) از «یعلی بن امیه» روایت کرده‌اند که گفته است: به عمر بن خطاب، گفتم: چرا باید در سفر، نماز را به قصر بخوانیم با این که از ترس فتنه کافران، در امان هستیم؟

در پاسخ گفت: من نیز مانند تو از قصر نماز در حال امن در شگفت بودم، از رسول خدا(ص) پرسیدم، فرمود: تفضلی است که خدا بر شما روا داشته، پس آن را بپذیرید.^۲

ج - حکمت قصر نماز در سفر شرعی

در روایات، حکمت قصر نماز در سفر شرعی، رحمت و مهربانی، هدیه، صدقه و تخفیف الهی معرفی شده که به خاطر مشقت، سختی، خستگی، زحمت و رنج سفر پیش می‌آید، پس حکمت قصر نماز تسهیل بر عباد و سخت نگرفتن بر آنان است که برخی از آن روایات را یادآور می‌شود:

۱- روایت حسنه فضل بن شاذان

وی در علل احکامی که از امام رضا(ع) شنیده است نقل می‌کند که آن حضرت

۱. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴۳۴/۱.

۲. صحیح مسلم بشرح النووی، ۱۹۶/۵؛ «عن یعلی بن امیه قال: قلت لعمر بن الخطاب: «لیس علیکم جناح أن تقصروا من الصلاه إن خفتم ان یفتنکم الذین کفروا»، فقد أمن الناس؟ فقال: عجب مما عجب منہ، فسألت رسول الله(ص) عن ذلك، فقال: صدقه تصدق الله بها علیکم فاقبلوا صدقته».

می فرمود:

«إن الصلاة إنما قصرت في السفر، لأن الصلاة المفروضة أولاً إنما هي عشر ركعات، و السبع إنما زيدت فيها بعد، فخفف الله عزوجل عن العبد تلك الزيادة لموضع سفرة و تعبته و نصبة و اشتغاله بأمر نفسه و ظعنه و إقامته، لئلا يشتغل عما لا بد منه من معيشتته، رحمة من الله عزوجل و تعطفاً عليه، إلا صلاة المغرب، فإنها لا تقصر، لأنها صلاة مقصورة في الأصل...» (ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه، ۴۵۴/۱؛ همو، عيون اخبار الرضا (ع)، ۲۳۶/۲؛ همو، علل الشرائع، ص ۲۶۶؛ حرعاملی، ۵/۵۴۰).

نماز در سفر، شکسته شده است به جهت اینکه نمازی که در آغاز، واجب شده بود تنها ده رکعت بود (که فرض الله و فريضه نامیده می شود) و بعداً هفت رکعت به آن افزوده شد (که فرض النبي (ص) نامیده می شود)، پس خداوند عزوجل آن هفت رکعت افزوده را به خاطر سفر، رنج و خستگی آن و اشتغال به انجام کار خود و کوچ کردن و فرود آمدن او تخفیف داده است، تا از کارهای لازم زندگی (که برای آن سفر کرده) باز نماند که این تخفیف، ناشی از رحمت و مهربانی خداوند عزوجل بر مسافر است، مگر نماز مغرب که شکسته نمی شود، زیرا در اصل شکسته شده است (نک: ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه، ۲۰۱/۱؛ حرعاملی، ۳/۳۱).

۲- روایت موثقه سکونی

سکونی از امام صادق (ع) و آن حضرت از پدرانش نقل می کند که پیامبر (ص) فرمود: «إن الله أهدى إلى و إلى امتی هدیة لم یهدها إلى أحد من الأمم کرامه من الله لنا». قالوا: و ما ذلك یا رسول الله؟

قال: «الإفطار في السفر، التقصير في الصلاة، فمن لم يفعل ذلك فقد رد على الله عزوجل هدیته» (ابن بابويه، خصال، ۶۸/۱؛ حرعاملی، ۵/۵۴۰).

خداوند متعال از باب کرامت، به من و امتم، هدیه ای داد که به هیچ یک از امتها نداده است. عرض کردند: رسول الله آن هدیه چیست؟ فرمود: روزه گشودن و کوتاه

گزاردن نماز در سفر، پس هر کس عمل نکند، هدیه خداوند عزوجل را پس داده است (ابن بابویه، *الخصال*، ۶۸/۱؛ حرعاملی، ۵/۵۴۰).

۳- روایت ابن ابی عمیر

از امام صادق(ع) نقل شده که پیامبر(ص) فرمود:

«إن الله عزوجل تصدق علی مرضی أمتی و مسافریها بالتقصیر و الإفطار، أیسر أهدکم إذا تصدق بصدقه أن ترد علیه». (کلینی، ۱۲۷/۴).

خداوند عزوجل بر بیماران و مسافران اتم کوتاه گزاردن نماز و روزه گشودن را تصدق و خیرات کرد، آیا یکی از شما هر گاه تصدق و خیرات کند و صدقه و خیرات او برگردانده شود، خوشحال می‌شود؟

۴- روایت یعلی بن امیه، که در ضمن مستندات قصر نماز در سفر، نگاهشته شد. (رک: ص ۶).

۵- قاضی نعمان مغربی از علی بن ابی طالب(ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «من قصر الصلاة فی السفر و أفطر، فقد قبل تخفیف الله عزوجل و کملت صلاته» (۲۴۸/۱).

کسی که در سفر، نماز را کوتاه گزارد و روزه را افطار کند، تخفیف خداوند عزوجل را پذیرفته و نمازش کامل است.

الزحیلی در *الفقه الإسلامی و أدلته*، ذیل «سبب مشروعیت قصر» می‌نویسد:

«حکمت قصر نماز در سفر، پیشگیری از مشقت و زحمت و حرجی است که غالباً مسافر دچار آن می‌شود و نیز آسان گرفتن در حقوق الهی، ترغیب در انجام فرائض دینی و عدم گریز از قیام به امر واجب است. پس برای شخص مقصر یا تنبل، دلیل و بهانه‌ای در ترک نماز باقی نمی‌ماند» (۱۳۱/۲).

در *المنهج الفقهی علی مذاهب الامام الشافعی*، آمده است: در اسلام، احکام تشریح نشده که مکلف دچار رنج و مشقت شود، از این رو از باب تخفیف، به

موجب آیه ۱۰۱ سوره نساء نماز مسافر، قصر می‌شود (۱۸۵/۱).

د - مشقت و خستگی در سفر، موجب قصر نماز است

در روایات معتبری آمده که مشقت، سختی و خستگی سفر، موجب می‌شود که شخص مسافر نمازش را شکسته بخواند و حتی کسانی که موظف‌اند در سفر نماز را تمام بخوانند، مانند چارواداران و شترداران، چنانچه سفر، موجب زحمت و دشواری و مشقت و خستگی آنان شود باید نماز را کوتاه بگذارند. برخی از این روایات را مرور می‌کنیم.

۱- صحیحۀ معاویه بن عمار

معاویه بن عمار به امام صادق(ع) گفت: اهل مکه در عرفات نماز را تمام می‌گزارند، فرمود: «ویلهم - أو ویجهم - (تردید از راوی است) وای سفر آشد منه، لا، لا تتم»؛ وای بر آنان، چه سفری سخت تر از آن است، نه، نباید تمام بگذارند (کلینی، ۵۱۹/۴؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۳۴۷/۱؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۱۰/۳؛ حرعاملی، ۴۹۹/۵).

۲- صحیحۀ محمد بن مسلم

محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق(ع) روایت می‌کند که: «المکاری و الجمال إذا جد بهما السیر فلیقصر»؛ هرگاه سفر، چاروادار و شتردار را به تلاش و مشقت اندازد باید نماز را کوتاه بگذارند (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۱۵/۳؛ حرعاملی، ۵۱۹/۵).

۳- صحیحۀ بقباق

فضل بن عبدالملک، ملقب به بقباق، گوید، از امام صادق(ع)، درباره چارواداران که رفت و آمد می‌کنند پرسیدم، فرمود: «إذا جدوا السیر فلیقصر»؛ هرگاه سفر را به شتاب بخشند (و دچار مشقت شوند)، باید نماز را کوتاه بگذارند؛ (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۱۵/۳؛ همو، الاستبصار، ۲۳۳/۱؛ حرعاملی، ۵۱۹/۵).

۴- صحیحۀ علی بن جعفر

علی بن جعفر، گوید: از برادرم امام کاظم (ع) پرسیدم چاروادارانی که تا «نیل» رفت و آمد دارند، آیا موظف به تمام گزاردن نمازند؟ فرمود: «إذا كان مختلفهم فليصوموا وليتموا الصلاة إلا أن يجد بهم السير فليطروا فليقصروا»؛ هرگاه در حال رفت و آمد باشند (و شغل و کارشان سفر باشد) باید روزه بگیرند و نماز را تمام بگذارند، مگر این که دچار مشقت و زحمت شوند که باید روزه را بگشایند و نماز را کوتاه بگذارند (حرعاملی، ۵/۵۲۰).

مفاد روایات مزبور

همان گونه که در *مستند العروة الوثقى* (خوبی، ۱۶۲/۸) آمده است، روایات یاد شده از نظر سند نقیة السند و معتبر می‌باشند و از نظر دلالت نیز ظهور دادند که برای کسانی که شغل و کارشان سفر است، تمام گزاردن نماز، ثابت است مگر اینکه به خاطر سفر، دچار رنج و سختی شوند که در این صورت، باید نماز را شکسته بخوانند.

دیدگاه شماری از محدثان و فقیهان

با توجه به اینکه روایات مزبور، صحیح السند و واضح الدلالة می‌باشند، شماری از محدثان و فقیهان، طبق ظواهر این روایات عمل کرده‌اند، یعنی مسافری که بیش از مقدار متعارف راه برود و دچار مشقت و زحمت شود، از باب تخفیف، باید نماز را کوتاه بگذارد.

شهید ثانی در *روض الجنان* (۳۹۰) می‌نویسد: «و لعل موجب الخروج عن حکم الإتمام هنا لزيادة المشقة بكثره السير و خروجه عن العادة».

همان طوری که محقق نراقی^۱ نوشته است، ثقة الإسلام کلینی^۲، شیخ طوسی در

۱. در *مستند الشیعة* (۲۸۸/۱ و ۲۸۹) آمده است:

«و عمل بها الكلینی و الشیخ فی التهذیب علی الظاهر، و جماعة من المتأخرین منهم المدارك و المنتقی و المحدث الكاشانی و الفاضل الهندی و صاحباً الذخیره و الحدائق...».

۲. در *کافی* (۴۳۷/۳) ذیل روایت دوم آمده است: «و فی روایة اخرى: إذا جد به السير فالی قصر؛ قال: و معنی جدّ به السير يجعل منزلین منزلاً».

التهدیب^۱ و گروهی از متأخران از قبیل صاحب مدارک^۲، صاحب معالم^۳، فیض کاشانی^۴، فاضل هندی، صاحب ذخیره^۵، صاحب حدائق^۶ به ظاهر روایات یاد شده عمل کرده‌اند.

محقق نراقی نیز عمل به ظاهر روایات مزبور را مبنی بر شکسته شدن نماز مسافری که دچار مشقت و زحمت می‌شود، صحیح و لازم می‌داند و می‌نویسد:

«و هو الصحيح، إذ لا مجال في ترك روایات معتبرة ظاهرة المعنى بلامعارض مساو أو أخص، فيها العمومات تخصص...» (۲۸۹/۸).

از این رو در فتوای برخی از مراجع عظام معاصر نیز در مسأله شماره ۱۳۲۴، از توضیح المسائل آمده است:

«کسانی چون چاروادار و شتردار که شغل آنها در مسافرت است، در صورتی که مسافرت، بیش از مقدار معمول بر آنها موجب مشقت و خستگی شود باید نماز را شکسته به جا آورند».

ه - گروههایی که باید نماز را تمام بگزارند

1. در **تهدیب الاحکام** (۲۱۵/۳)، ذیل روایت شماره ۵۲۹، آمده است: «فالوجه هذين الخبرين ما ذكره محمد بن يعقوب الكليني - قال: هذا محمول على من يجعل المنزلين منزلا، فيقصر في الطريق و يتم في المنزل...».
2. در **مدارک الاحکام** (۴۵۶/۴) پس از بیان دیدگاههای ثقه الإسلام کلینی، شیخ طوسی، شهید اول، علامه و شهید ثانی، می‌نویسد: «و یحتمل قویاً الرجوع فی جد السیر إلى العرف، و القول بوجوب التقصیر علیهما فی هذه الحالة للمشفقة الشديدة بذلك».
3. در **منتقى الجمعان** (۱۷۶/۲) ذیل روایت صحیحه محمد بن مسلم، آورده است: «و المنتجه فيه الوقوف مع ظاهر اللفظ و هو زیادة السیر عن القدر المعتاد فی أسفارهما (چاروادار و شتردار) غالباً، و الحکمة فی هذا التخفيف واضحة...».
4. در **مفاتیح الشرائع** (۲۴/۱) آمده است: «و أن لا یكون السفر عمله، إلا إذا جد به و شق له مشقه شديده كما فی الصحيحین (صحیحه محمد بن مسلم و بقباق)... خلافاً للمشهور».
5. در **ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد** (۴۱۰) پس از نقل صحیحه محمد بن مسلم و بقباق، می‌نویسد: «و الظاهر أن المراد بالجد فی السیر زیاده السیر عن القدر المعتاد فی أسفارهما (چاروادار و شتردار) غالباً، و الحکمة فی هذا التخفيف واضحة، و علی هذا فلا بد من تخصيص الأخبار السابقة بهذين الخبرين، حملاً للعام علی الخاص و المطلق علی المقيد...».
6. در **الحدائق الناضرة** (۳۹۳/۱۱) پس از نقل دو صحیحه یاد شده و نیز نقل دیدگاه شهید اول، صاحب مدارک، علامه و شهید ثانی، درباره مفاد روایات مزبور می‌نویسد: «والأقرب عندی ما ذكره جمله من أفاضل متأخري المتأخرين . أولهم علی الظاهر السيد السند فی المدارک و المحقق الشيخ حسن فی المتقى، و المحدث الكاشاني، و غیرهم . من أن المراد به ما إذا زاد السیر علی ما هو المتعارف بحيث یشتمل علی مشقه شديده، و القول بوجوب التقصیر علیه لهذه المشقه الشديده».

اما کسانی که سفر موجب مشقت و زحمت آنان نشود و یا اگر دچار رنج و خستگی به مقدار معمول می‌شوند به خاطر شغل و کاری است که انتخاب کرده اند و یا چون خانه (و لوازم زندگیشان) همراه آنان است و احساس خستگی نمی‌کنند و یا اینکه اساساً واژه «مسافر» بر آنها صدق نمی‌کند، زیرا واژه «سفر» برگرفته از «سفور» به معنای بروز و آشکار شدن است که متوقف بر فرض سکونت در جایی است که از آن جای خارج و آشکار شود (نک: خوبی، ۱۵۳/۸). بنابراین، به موجب روایات زیر باید نماز را تمام بگزارند.

۱- صحیحۀ زراره

زراره گوید: امام باقر(ع) فرمود: «أربعة قد يجب عليهم التمام في السفر كانوا أو الحضّر: المكارى و الكرى و الراعى و الأشتقان، لأنه عملهم»؛ چهار گروه هستند که تمام گزاردن نماز بر آنان واجب است، (خواه) در سفر باشند یا در حضر: چاروادار، کسی که برای خدمت در سفر، اجیر می‌شود، چوپان و دشتبان یا پستچی^۱ چون سیر و سفر، کار و شغل آنان است (کلینی، ۴۳۶/۳؛ ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ۴۳۹/۱؛ همو، الخصال، ۲۳۱/۱؛ طوسی، تهذیب الأحكام، ۲۱۵/۳؛ حرعاملی، ۵۱۵/۵).

۲- مرفوعۀ ابن ابی عمیر

در مرفوعۀ ابن ابی عمیر آمده است که امام صادق(ع) فرمود: «خمسة يتمون في سفر كانوا أو حضر: المكارى و الكرى و الأشتقان، و هو البريد، و الراعى و الملاح، لأنه عملهم» پنج گروه، نماز را تمام می‌گزارند در سفر باشند یا در حضر: چاروادار، چارواچی (کسی که برای خدمت در سفر، اجیر می‌شود)، پستچی، چوپان و کشتی‌بان، چون سفر کار و شغل آنان است (ابن بابویه، الخصال، ۲۷۰؛ حرعاملی، ۵۱۷/۵).

۳- موثقة اسحاق بن عمار

۱. در وسائل الشیعة (۵۱۷/۵) در مرفوعۀ ابن ابی عمیر آمده است: «... و الأشتقان و هو البرید...».

اسحاق بن عمار گوید: از امام (ع) درباره کشتی بانان و بادیه نشینان پرسیدم که آیا موظف به کوتاه گزاردن نماز هستند؟ فرمود: «لا، بیوتهم معهم» نه، خانه های آنان با آنان است (کلینی، ۴۳۸/۳؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۱۵/۳؛ همو، الاستبصار، ۲۳۳/۱؛ حرعاملی، ۵۱۶/۵).

بنابراین ناخدایان و صحرائشینان که خانه و لوازم زندگیشان همراه خودشان است و احساس خستگی نمی کنند، باید نماز را تمام بگذارند.

۴- مرسله جعفری

در روایتی نقل شده که امام صادق (ع) فرمود: «الأعراب لا یقصرن، و ذلك أن منازلهم معهم»؛ بادیه نشینان نماز را کوتاه نمی گزارند، چون منازل آنان همراه خودشان است (کلینی، ۴۳۷/۳؛ حرعاملی، ۵۱۶/۵).

حد مسافت برای سفر شرعی

یکی از شرایط قصر نماز در سفر شرعی، «مسافت» است که درباره مقدار آن، میان مذاهب اسلامی دیدگاههای مختلفی به شرح زیر است:

حنفیه: حداقل مسافت باید سه مرحله (= سه منزل) و به عبارتی ۲۴ فرسخ و به بیان دیگر سه روز از کوتاه ترین روزهای سال از صبح تا زوال ظهر یا سیر متوسط یعنی با شتر یا پیاده باشد (جزیری، ۴۷۳/۱؛ زحیلی، الفقه الاسلامی و أدلته، ۱۳۴۲/۲). مالکیه، شافعیه و حنبلیه: ۱۶ فرسخ و به عبارتی سیر معمولی یک شبانه روز پیاده یا با شتر بارکش (همان/۳۷۲ و ۳۷۳).

امامیه: مشهور میان فقهای امامیه، هشت فرسخ است (بروجردی، ۶۶).

حد مسافت سفر شرعی در روایات امامیه

در روایات برای بیان مقدار حداقل مسافت موجب قصر نماز و روزه، تعبیرات و عناوین مختلفی به شرح زیر آمده است:

- ۱- «مسیره یوم»: پیمودن یک روز راه.
 - ۲- «بیاض یوم»: سفیدی یک روز کامل یعنی از اذان صبح تا اذان مغرب.^۱
 - ۳- «بریدان»: برید، برابر با چهار فرسخ و نیز برابر با ۱۲ میل است؛ پس بریدان یعنی هشت فرسخ و ۲۴ میل.
 - ۴- هشت فرسخ که برابر با دو برید و نیز ۲۴ میل است.
 - ۵- چهار فرسخ.
 - ۶- برید.
 - ۷- ۱۲ میل که برابر با یک برید و چهار فرسخ است، چون هر میل، یک سوم فرسخ است.
 - ۸- ۲۴ میل که برابر با دو برید و نیز ۲۴ میل است.
- اینک نگاهی به روایاتی که برای بیان مقدار مسافت موجب شکسته شدن نماز و روزه وارد شده اند، می‌اندازیم.

۱- صحیحۀ علی بن یقظین

از علی بن یقظین، نقل شده است که گفت: از امام موسی کاظم (ع) درباره شخصی که برای سفر یک روزه از خانه خارج می‌شود پرسیدم، فرمود: «یجب علیه التقصیر فی مسیره یوم، و إن کان یدور فی عمله»؛ کوتاه گزاردن نماز در سفر یک روزه بر او واجب است، اگر چه دوره‌گردی کند (طوسی، *تهذیب الأصول*، ۲۰۹/۳؛ همو، *الاستبصار*، ۲۲۵/۱؛ حرعاملی، ۴۹۳/۵).

۲- معتبرۀ فضل بن شاذان

بنا به نقلی که از فضل بن شاذان نیشابوری شده است، امام رضا (ع) فرمود: «إنما وجب التقصیر فی ثمانیة فراسخ لا أقل من ذلك و لا أكثر، لأن ثمانیة فراسخ مسیره یوم للعامّة

۱. طریحی در *مجمع البحرین*، در ماده «بیض» می‌نویسد: «و فی الحدیث: «التقصیر فی بیاض یوم» برید من الفجر إلى الغروب». و در ماده «برد» می‌نویسد: «والبرید، بالفتح علی فعیل، أربعة فراسخ، اثنا عشر میلاً».

و القوافل و الأتقال، فوجب التقصير في مسيرة يوم؛» کوتاه گزاردن نماز در هشت فرسخ، واجب شده نه کمتر از این و نه بیشتر؛ چون هشت فرسخ، مسافت و پیمودن یک روز راه برای عموم مردم و کاروانها و بارهاست. پس کوتاه گزاردن نماز (و شکسته خواندن آن) در مسافت یک روزه واجب شده است و اگر در مسافت یک روزه (و پیمودن یک روز راه) شکسته خواندن نماز واجب نمی‌شد در مسافت هزار سال (هم) واجب نمی‌شد، چون هر روز که پس از این روز بیاید همانند یک روز است. بنابراین، اگر شکسته خواندن نماز در این روز واجب نباشد در روزه‌های همانند این هم واجب نخواهد بود، چون با هم فرقی ندارند.

اگر گفته شود: پیمودن راه (به لحاظ کند و تند بودن) گوناگون است، پس چرا مسافت و پیمودن یک روز راه، هشت فرسخ قرار داده شده است؟ در پاسخ گفته می‌شود: چون مقدار پیمودن شتران و کاروانها معمولاً هشت فرسخ است و این مقدار راه، بیشترین مسافتی است که شترداران و چارواداران می‌پیمایند (ابن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، ۴۵۴/۱، همو، *عیون اخبار الرضا (ع)*، ۲۳۶/۲؛ همو، *علل الشرائع*، ۲۶۶؛ حرعاملی، ۴۹۰/۵).

۳- موثقة سماعه

از سماعه روایت شده که گوید: از امام (ع) پرسیدم مسافر در چه مسافتی نماز را کوتاه می‌گزارد؟ فرمود: « فی مسيرة یوم و ذلك بریدان و هما ثمانية فراسخ، و من سافر قصر الصلاة و أفطر...» در پیمودن یک روز راه که دو برید یعنی هشت فرسخ است و هر کس سفر کند نماز را کوتاه گزارد و روزه را بگشاید (همو، *تهذیب الأحکام*، ۲۰۷/۳؛ طوسی، *الاستبصار*، ۲۲۲/۱؛ حرعاملی، ۴۹۲/۵).

۴- صحیحة زرارہ و محمد بن مسلم

زراره و محمد بن مسلم از امام باقر (ع) روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: «و قد سافر رسول الله (ص) إلى ذی خشب، و هی مسيرة یوم من المدینه یكون إليها

بریدان - أربعه و عشرون ميلاً - فقصر و أفطر فصارت سنة؛ رسول خدا(ص) به «ذی خشب» که در فاصله یک روز راه از مدینه (و به عبارتی) دو برید - یعنی ۲۴ میل است - سفر کرد، پس نماز را کوتاه گزارد و روزه را گشود، و این سنت گردید (ابن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، ۴۳۵/۱؛ حرعاملی، ۴۹۱/۵).

۵- صحیحۀ ابی بصیر

ابوبصیر گوید: به امام صادق(ع) گفتم: در چه مقدار از مسافت، شخص مسافر، نماز را کوتاه می‌گزارد؟ فرمود: «فی بیاض یوم أو بریدین...»؛ در روشنایی روز یا دو برید، چون رسول خدا(ص) به نقطه «ذی خشب» رفت، پس نماز را کوتاه گزارد. عرض کردم: (از مدینه) تا «ذی خشب» چه قدر فاصله است؟ فرموده: دو برید (طوسی، *تهذیب الأحکام*، ۲۲۲/۴؛ همو، *الاستبصار*، ۲۲۳/۱؛ حرعاملی، ۴۹۲/۵).

۶- روایت بجلی

عبدالرحمن بن حجاج، ملقب به بجلی در روایتی گوید: به امام صادق(ع) گفتم: کمترین مسافتی که در آن نماز شکسته می‌شود، چقدر است؟ فرمود: «جرت السنة ببیاض یوم»؛ سنت به روشنایی روز، جاری شده است.

گفتم: سیر در روشنایی روز، مختلف است؛ مردی در روز پانزده فرسخ را می‌پیماید و دیگری در روز چهار فرسخ و پنج فرسخ را می‌پیماید. فرمود: «إنه لیس إلى ذلك ينظر، أما رأیت سیر هذه الأتقال بین مکة و المدینة»؛ به این نگاه نمی‌شود (و ملاک نیست)، آیا پیمودن بارها (و کاروانهای) میان مکة و مدینه را نمی‌بینی؟ آنگاه با دستش اشاره کرد ۲۴ میل که هشت فرسخ است (طوسی، *تهذیب الأحکام*، ۲۲۲/۴؛ حرعاملی، ۴۹۳/۵).

۷- صحیحۀ خزاز

از ابویوب ملقب به خزاز روایت شده که می‌گوید: از امام صادق(ع) درباره کوتاه گزاردن نماز پرسیدم، فرمود: «فی برید أو بیاض یوم»؛ برید یا روشنایی روز

(طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۱۰/۳؛ همو، الاستبصار، ۲۲۵/۱؛ حرعاملی، ۴۹۲/۵).

۸- حسنة كاهلی

عبدالله بن یحیی کاهلی از امام صادق(ع) شنیده است که آن حضرت درباره کوتاه گزاردن نماز می فرمود: یک برید در برید دیگر (که دو برید می شود) یعنی ۲۴ میل آنگاه فرمود: پدرم می فرمود: «إن التقصیر لم یوضع علی البغلة السفواء و الدابة الناجية، و إنما وضع علی سیر القطار»؛ کوتاه گزاردن نماز بر سیر استر تیزرو و چهارپای تندرو، مقرر نشده بلکه به سیر یک ردیف شتر با سیر (قطار شتر میانه رو) معمولی و متوسط مقرر شده است (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴۳۶/۱؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۰۷/۳ و ۲۲۳/۴؛ همو، الاستبصار، ۲۲۳/۱؛ حرعاملی، ۴۹۱/۵).

صاحب وسائل الشیعة در ذیل روایت مزبور می گوید: «المراد أن ماورد من تحدید المسافة بمسیر یوم مخصوص بسیر القطار و هو واضح».

۹- روایت فضل بن شاذان

فضل بن شاذان روایت می کند که امام رضا(ع) در پاسخ نامه مأمون نوشت: «والتقصیر فی ثمانية فراسخ و مازاد، و إذا قصرت افطرت»؛ کوتاه گزاردن نماز در هشت فرسخ و زیادتر است و هرگاه نماز را کوتاه گزاردی، روزه را افطار می کنی (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲۶۶/۲؛ حرعاملی، ۴۹۸/۵؛ ابن شعبه حرانی، ۴۴۰).

۱۰- موثقة عیص بن قاسم

عیص بن قاسم از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت درباره کوتاه گزاردن نماز فرمود: «حده أربعة و عشرون ميلاً»؛ حد مسافت موجب کوتاه گزاردن نماز، ۲۴ میل است (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۲۱/۴؛ همو، الاستبصار، ۲۲۳/۱؛ حرعاملی، ۴۹۳/۵).

۱۱- صحیحة زراره

زراره از امام باقر(ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود:

«التقصیر فی برید، و البرید أربع فراسخ»؛ کوتاه گزاردن نماز در یک برید است و برید چهار فرسخ است (کلینی، ۴۳۲/۳؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۰۷/۳ و ۲۲۳/۴؛ همو، الاستبصار، ۲۲۳/۱؛ حرعاملی، ۴۹۴/۵).

۱۲- روایت ابو الجارود

از ابوالجارود روایت شده است که گفت: قلت لأبی جعفر(ع) فی کم التقصیر؟ فقال: «فی برید»؛ به امام باقر(ع) گفتم: چه مقدار از مسافت، موجب کوتاه گزاردن نماز است؟ فرمود: یک برید (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۰۹/۳؛ همو، الاستبصار، ۲۲۴/۱؛ حرعاملی، ۴۹۵/۵).

۱۳- روایت اسماعیل بن فضیل

اسماعیل بن فضیل ملقب به هاشمی گوید: سألت أبا عبدالله(ع) عن التقصیر، فقال: «فی أربعة فراسخ»؛ از امام صادق(ع) درباره (حد) کوتاه گزاردن نماز پرسیدم فرمود: در چهار فرسخ (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۰۸/۳؛ همو، الاستبصار، ۲۲۴/۱؛ حرعاملی، ۴۹۵/۵).

۱۴- روایت ابویوب

از ابو ایوب روایت شده که گوید: قلت لأبی عبدالله(ع): أدنی ما یقصر فیہ المسافر؟ قال: «برید»؛ به امام صادق(ع) گفتم: کمترین مقدار مسافتی که مسافر باید نمازش را شکسته بخواند چیست؟ فرمود: یک برید (کلینی، ۴۳۲/۳؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۲۳/۴؛ همو، الاستبصار، ۲۲۳/۱).

۱۵- صحیحۀ زرارہ

زراره می گوید: سألت أبا جعفر(ع) عن التقصیر، فقال: برید ذاهب و برید جائی، و کان رسول الله(ص) إذا أتى ذباباً قصر و ذباب علی برید و إنما فعل ذلك لأنه إذا رجع کان سفره بریدین، ثمانية فراسخ؛ شیخ صدوق، به اسنادش از زرارہ بن اعین روایت می کند که گفت: از امام باقر(ع) درباره کوتاه گزاردن نماز پرسیدم، فرمود: یک برید برود و یک

برید برگردد (یعنی چهار فرسخ رفتن و چهار فرسخ برگشتن)، سنت و سیره رسول خدا(ص) بود که هرگاه به نقطه «ذباب» (کوهی در مدینه در قسمت شرقی خندق) می‌رفت نماز را کوتاه می‌گزارد.

فاصله «ذباب» تا مدینه یک برید است (یعنی چهار فرسخ) که نصف روز راه بود، و پیامبر(ص) (در مسافت چهار فرسخی) نمازش را شکسته می‌خواند، برای اینکه هر گاه از آنجا برمی‌گشت، سفرش (و در مجموع) دو برید می‌شد که برابر با هشت فرسخ است (ابن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، ۴۴۹/۱؛ حرعاملی، ۴۹۸/۵).

۱۶- روایت فضل بن شاذان

از فضل بن شاذان روایت شده که امام رضا(ع) در نامه اش به مأمون فرمود:
 «إِنَّمَا وَجِبَتِ الْجُمُعَةُ عَلَيَّ مِنْ يَكُونُ عَلَيَّ (رَأْسُ) فَرَسَخِينَ لَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ، لِأَنَّ مَا تَقَصَّرَ فِيهِ الصَّلَاةُ بَرِيدَانِ ذَابِبًا ذَاهِبًا وَبَرِيدَ جَائِيًا، وَالْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَسَخٍ، فَوَجِبَتِ الْجُمُعَةُ عَلَيَّ مِنْ هُوَ نِصْفُ الْبَرِيدِ الَّذِي يَجِبُ فِيهِ التَّقْصِيرُ، وَذَلِكَ لِأَنَّهُ يَجِيءُ فَرَسَخِينَ وَيَذْهَبُ فَرَسَخِينَ وَذَلِكَ أَرْبَعَةُ فَرَسَخٍ، وَهُوَ نِصْفُ طَرِيقِ الْمَسَافِرِ؛ نِمَازُ جَمْعِهِ بَرِ كَسِي كَمَا فِي مَسَافَتِ دَوَّ فَرَسَخِي أَسْتِ وَاجِبٌ شَدِيدٌ نَهْ بِيْشْتَرُ مِنْ هَذَا؛ لِأَنَّ مَسَافَتِي كَمَا فِي نِمَازِ شَكْسْتِهِ مِي شُودُ وَبَرِيدٌ (يَعْنِي هِشْتُ فَرَسَخٍ) فِي حَالِ رِفْتَنِ يَأْتِي بِرِيدٍ (يَعْنِي چَهَارُ فَرَسَخٍ) فِي حَالِ رِفْتَنِ وَبَرِيدٌ فِي حَالِ بَرِگِشْتَنِ أَسْتِ (كَمَا فِي رُؤْيِ هِمَّ رِفْتَهُ مِي شُودُ هِشْتُ فَرَسَخٍ)، بَئْسَ نِمَازُ جَمْعِهِ بَرِ كَسِي كَمَا فِي مَسَافَتِ نِصْفِ بَرِيدٍ (يَعْنِي فِي مَسَافَتِ دَوَّ فَرَسَخِي) أَسْتِ وَاجِبٌ أَسْتِ؛ لِأَنَّ دَوَّ فَرَسَخٍ مِي آيْدُ وَدَوَّ فَرَسَخٍ مِي رُودُ يَعْنِي فِي مَجْمُوعِ چَهَارِ فَرَسَخٍ أَسْتِ كَمَا فِي نِصْفِ رَاهِ شَخْصِ مَسَافِرِ أَسْتِ وَبِهِ حُدُودُ مَسَافَتِ مُوجِبِ قِصْرِ نِمَازِ يَعْنِي هِشْتُ فَرَسَخٍ نَمِي رَسْدُ (ابن بابویه، *عيون اخبار الرضا*، ۲۳۵/۲؛ حرعاملی، ۴۹۸/۵).

۱۷- صحیحہ معاویة بن وهب

از معاویه بن وهب، روایت شده که گوید: قلت لأبي عبد الله(ع): أدنى ما يقصر فيه المسافر الصلاة؟ قال: «بريد ذاهباً و بريد جائياً» از امام صادق(ع) پرسیدم: کمترین مقدار

مسافتی که شخص مسافر باید نماز را کوتاه بگذارد چیست؟ فرمود: یک برید (یعنی چهار فرسخ) در حال رفت و یک برید در حال برگشت (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۲۴/۴ و ۲۰۸/۳؛ همو، الاستبصار، ۲۲۴/۱؛ حرعاملی ۴۹۴/۵).

۱۸- صحیحۃ شحام

از ابواسامه زید شحام، روایت شده که گوید: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: «يقصر الرجل الصلاة في مسيرة إثني عشر ميلاً»؛ از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: شخص مسافر، نماز را در مسافت ۱۲ میل کوتاه می گزارد (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۰۸/۳ و ۲۲۳/۴؛ همو، الاستبصار، ۲۲۴/۱؛ حرعاملی، ۴۹۴/۵).

۱۹- موثقة محمد بن مسلم

محمد بن الحسن باسناده عن علي بن الحسن بن فضال، عن أحمد بن الحسن، عن أبيه، عن علي بن الحسن بن رباط، عن العلاء، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (ع) قال: سألته عن التقصير. قال: «في برید». قلت برید؟ قال: «إنه إذا ذهب بریداً و رجع بریداً فقد شغل يومه»؛ از محمد بن مسلم نقل شده که گوید: از امام باقر (ع) درباره مسافت موجب تقصیر پرسیدم، فرمود: یک برید (که برابر با چهار فرسخ است). پرسیدم: یک برید؟ فرمود: هرگاه شخص مسافر، یک برید برود و یک برید برگردد، پس تمام روزش را به کار گرفته است (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۲۴/۴؛ حرعاملی، ۴۹۴/۵).

تعبیرات متحدالمضمون

هر چند در روایات یاد شده برای بیان مقدار مسافت موجب قصر نماز و روزه، تعبیرات و عناوین مختلفی آمده است ولی همان گونه که از روایات مزبور استفاده می شود و فقیهان نیز گفته اند مضمون این تعبیرات و عناوین یکی است، زیرا مراد از ۱۲ میل در صحیحۃ شحام، و نیز مراد از برید در روایات شماره ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ (یعنی صحیحۃ زراره، روایت ابن الجارود، روایت اسماعیل بن فضیل هاشمی و روایت ابوایوب) به موجب روایات شماره ۳، ۱۱ و ۱۵ و نیز ۱۶ (یعنی موثقة سماعه، صحیحۃ

زراره و فضل بن شاذان)، چهار فرسخ است.

مراد از برید برابر با چهار فرسخ، در روایات شماره ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ (یعنی صحیحۀ زراره، روایت ابی الجارود، روایت اسماعیل بن فضیل هاشمی و روایت ایوب)، به موجب روایات شماره ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، (یعنی صحیحۀ زراره، حسنۀ فضل بن شاذان، صحیحۀ معاویه بن وهب و موثقه محمد بن مسلم)، تفسیر و مقید می‌شود به موردی که مسافر، قصد مسافت چهار فرسخ رفت و برگشت را دارد که روی هم رفته، هشت فرسخ می‌شود.

صاحب *وسائل*، در ذیل روایت ابی الجارود می‌نویسد: «یک برید، حمل می‌شود بر غالب موارد که مسافر قصد برگشت را دارد که روی هم رفته، هشت فرسخ می‌شود» و در ذیل موثقه محمد بن مسلم می‌نویسد: «أقول: فی هذا أيضاً دلالة علی أن المسافة هنا مجموع الذهاب و الإياب، و قد أشیر فی هذا الموضع إلى الجمع بین أحادیث الأربعة فراسخ، و بین ما روی أن أقل مسافة القصر مسیره یوم» (حرعاملی، ۴۹۶/۵).

و تعبیر به ۲۴ میل در برخی روایات مانند روایت عیص بن قاسم، نیز برابر با هشت فرسخ است.

به موجب روایاتی از قبیل شماره ۳ (موثقه سماعه)، دو برید، برابر با هشت فرسخ و به موجب روایاتی مانند شماره ۴ و ۸ (یعنی صحیحۀ زراره و محمد بن مسلم، و حسنۀ کاهلی)، دو برید، برابر با ۲۴ میل است.^۱

به موجب روایت شماره ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ (یعنی موثقه سماعه، صحیحۀ زراره و محمد بن مسلم، صحیحۀ ابی بصیر، روایت بجلی، صحیحۀ خزاز و حسنۀ کاهلی)، تعبیر به «مسیره یوم»، «بیاض یوم»، «بریدان»، «هشت فرسخ» و «۲۴ میل»، همه دارای مضمون واحدند.

۱. در *جواهرالکلام* (۱۹۷/۱۴) آمده است: «و مقدار البرید . من غیر خلاف يعرف به . أربعة و عشرون میلاً، کل واحد منهما إثني عشر میلاً، و كان البرید فی الأصل لدابه الرسول الذي يستعملونه الملوك فی حوائجهم، ثم نقل إلى الرسول نفسه، ثم إلى المسافه المذكوره، و ربما ظهر من بعضهم أن الجميع معان له من غیر نقل».

محقق نراقی می نویسد: «و قد ظهر من جميع ذلك اتحاد جميع هذه التقديرات» (۱۸۱/۸). بنابراین «بریدان» و «۲۴ میل» برابر با هشت فرسخ است. اما تعبیرات موجود در برخی روایات، از قبیل: پیمودن یک شبانه روز راه، دو روز، سه برید و ده فرسخ، محتمل است که از مصادیق مازاد از کمترین مسافت باشد که در روایت شماره ۹، از فضل بن شاذان، آمده است. از این رو، با حداقل مسافت سفر شرعی، منافاتی ندارد.

چند یادآوری

۱- مراد از «یوم»

مراد از «یوم» در تعبیر «مسیره یوم»، روز شرعی و به عبارتی روز روزه، یعنی از اذان صبح تا اذان مغرب است. طریحی می نویسد: فی الحدیث «التقصیر فی بیاض یوم» یرید من الفجر إلى الغروب» (طریحی، ماده «بیض»).

صاحب مدارک^۱ با استناد به صحیحۃ ابی ایوب (خزاز) و صاحب حدائق^۲ با استناد به این صحیحۃ و نیز صحیحۃ ابی بصیر، گفته اند: مراد از «یوم»، «یوم الصوم» یعنی روز روزه است.

صاحب جواهر می نویسد: «... من النصوص الدالة عليه الظاهرة في إرادة يوم الصائم منه، للتعبير فيها ببياض يوم، و صرح بعضهم، بل نعثر على خلاف فيه». (نجفی، ۱۹۴/۱۴).

۲- مراد از سیر

مراد از سیر، سیر متعارف و معمولی است که نه تند باشد و نه کند.

در روایت معتبره فضل بن شاذان آمده است:

«مسیره یوم للعامة و القوافل و الأتقال» (رک: ص ۱۱)، پیمودن یک روز راه برای

۱. در مدارک الأحکام (۴۳۰/۴) آمده است: «والمراد به يوم الصوم كما يدل عليه قوله (ع) في صحیحۃ ابی ایوب: «أو بیاض یوم».
 ۲. در الحدائق الناضرة (۳۰۳/۱۱) آمده است: «والمراد بالیوم علی ما ذكره الأصحاب . رضوان الله عليهم . يوم الصوم، و يدل عليه...».

عموم و کاروانها و بارها.

در *حسنه کاهلی*، نیز آمده است:

«إن التقصير لم يوضع على البعلة السفواء، و الدابة الناجية و إنما وضع على سير القطار» (رک: ص ۲۱).

کوتاه گزاردن نماز بر سیر استر تیزرو، و چهارپای تندرو، مقرر نشده بلکه به سیر یک ردیف شتر با سیر معمولی و متوسط (قطار شتر میانه رو) مقرر شده است. شهید ثانی می نویسد: «معتدل السیر لانتقال الإبل»؛ سیر معتدل و معمولی با شتر بارکش (*الروضه البهية*، ۱/۷۷۹).

صاحب مدارک می نویسد: «واعتبر المصنف في المعتبر، و العلامة في جملة من كتبه، مسير الإبل السیر العام، و هو جيد»؛ محقق در کتاب «معتبر» و علامه در پاره‌ای از کتابهایش (مانند *منتهی و تذکره*) سیر عمومی (و معمولی) شتر را معتبر دانسته اند و این سخن خوب و پسندیده‌ای است (عاملی، ۴/۴۳۱).

آنگاه صاحب مدارک با استناد به غلبه این سیر عمومی در سفر، و روایت *حسنه کاهلی* و روایت بجلی، این سخن را تأیید می کند.

صاحب *حدائق* می نویسد: «والمراد بالسیر فيه ما هو المتعارف الغالب من سیر الإبل القطار، و سیر عامه الناس فإنها لذي يحمل عليه الإطلاق، مضافاً إلى ما صرح به الأخبار»؛ مراد از سیر در یک روز راه، سیر متعارف و غالب است، یعنی سیر ردیف شتر و سیر عموم مردم، زیرا اطلاق سیر بر این حمل می شود و روایات نیز صراحت به همین سیر دارد (بحرانی، ۱۱/۳۰۳ و ۳۰۴؛ نجفی، ۱۴/۱۹۴ و ۱۹۵).

۳- اندازه فرسخ

علامه حلی می گوید: «الفرسخ ثلاثة أميال اتفاقاً، و الميل أربعة آلاف ذراع» (*تذکره الفقهاء*، ۴/۳۷۱)؛ به اجماع علماء، هر فرسخ، سه میل و هر میل، چهار هزار ذراع^۲

1. اضافه کلمه «انقال» به «ابل»، از باب اضافه صفت به موصوف است.
2. ذراع، عبارت است از آرنج تا سر انگشتان.

است.

صاحب مدارک نیز می نویسد: «واتفق العلماء كافة على أن الفرسخ ثلاثة أميال» (عاملی، ۴/۴۲۹؛ بحرانی، ۱/۱۱/۳۰)؛ همه دانشمندان اتفاق نظر دارند که هر فرسخ، سه میل است.

«والميل أربعة آلاف ذراع بذراع اليد، الذي طوله أربع وعشرون إصبعاً، كل إصبع عرض سبع شعيرات، كل شعيرة عرض سبع شعرات من أوسط شعر البرذون» (شهید ثانی، الروضة البهية، ۱/۷۷۸ و ۷۷۹؛ عاملی، ۴/۴۲۸ و ۴۳۰).

هر میل، چهار ذراع با ذراع دست که طول هر ذراع، برابر با بیست و چهار انگشت پهلوی هم و عرض هر انگشتی برابر با هفت دانه جو که به عرض پهلوی هم باشند، و عرض هم جو، برابر با هفت موی متوسط اسب برذون یعنی یابو و اسب بارکش است.

مرحوم خویی، در ذیل عبارت مزبور می گوید: احکام شرعی مبتنی بر این دقتهای عقلی نیست که تحت ضابطه مشخصی در نمی آید و چه بسا اختلاف اندک میان یک دانه جو با جو دیگر، یا ذراع با ذراع دیگر، موجب فرق بسیاری در مجموع شود که ۹۶۰۰۰ باشد، زیرا شکی نیست که جو با جو، و ذراع با ذراع دیگر از نظر کوچکی و بزرگی، بلندی و کوتاهی، اختلاف دارند.

از این رو، دقتهای مزبور، وجهی ندارد و اثر شرعی بر آن بار نیست.

«والنصوص تشير إلى الأمر العادي المتعارف، من مسيره يوم أو بياض النهار، أو شغل اليوم، أو مسير الجمال، أو ثمانية فراسخ ونحوها من العناوين التي يعرفها أهل العرف والمحاورة.

فالمدار على الصدق العرفي، فكلما علم أنه مسافة فلا إشكال» (خویی، ۸/۳۴).

روایات، ناظر به امر معمولی متعارف است، یعنی پیمودن یک روز راه، یا

۱. زیرا هر فرسخ سه میل است و هر میل، چهار هزار، پس هر فرسخی دوازده هزار ذراع است. (۳×۴۰۰۰=۱۲۰۰۰) و چون برحسب نظر مشهور، مسافت موجب قصر نماز، هشت فرسخ است، پس حاصل ضرب آن می شود، نود و شش هزار (۸×۱۲۰۰۰=۹۶۰۰۰).

سفیدی روز، یا در برگرفتن تمام روز، یا پیمودن مقدار راه شتران، یا هشت فرسخ و مانند آن، از عناوینی که اهل عرف، آن را می‌شناسند. پس معیار، صدق عرفی است. بنابراین، در صورت علم به تحقق مسافت موجب قصر نماز، روشن است که نماز شکسته است و در صورت شک در تحقق آن، نماز تمام است؛ زیرا کوتاه گزاردن نماز، استثنای از عام و به تعبیری دیگر، تخصیص است در موردی که شرایط تخصیص، محقق شده باشد.

از این رو، بر هر مکلفی واجب است که نماز را تمام بگذارد مگر این که شرایط کوتاه گزاردن نماز، فراهم شود و در صورت شک و تردید در تحقق شرایط، باید به اصالة التمام رجوع کند یعنی موظف است که نماز را تمام بخواند.

۴- معیار قرار گرفتن یک روز راه، قانونمند و اصیل است.

درباره مسافت موجب قصر نماز، آیا معیار پیمودن یک روز راه مقدم است یا پیمودن هشت فرسخ راه؟

براساس گفته شهید ثانی در *روض الجنان*، اگر پیمودن یک روز راه با هشت فرسخ مطابق بود، یعنی اگر مسافر، در یک روز کامل، هشت فرسخ راه را بپیماید، روشن است که با هر دو معیار (فاصله زمانی و مکانی) مسافت موجب قصر نماز، صدق می‌کند؛ ولی در صورت اختلاف و عدم تطابق میان دو معیار مزبور، ممکن است به هر یک از این دو بسنده کرد.

و ممکن است معیار پیمودن یک روز راه را بر معیار هشت فرسخ مقدم داشت، زیرا اولاً، دلالت روایات بر این معیار، قوی تر است، چون برای اعتبار مسافت به چند ذراع یاد شده در اندازه فرسخ، روایت صریحی نیست.

ثانیاً، اصلی که علامه حلی و جمعی از فقهاء در اندازه فرسخ به آن تکیه کرده اند، به معیار یک روز راه برمی‌گردد، زیرا در *تذکرة الفقهاء*، استدلال کرده که مسافت با پیمودن یک روز راه عمومی و معمولی شتر، اعتبار می‌شود.

اینک عین عبارت شهید ثانی و علامه را یادآور می‌شود:

«نعم لو اعتبرها بالتقدير فإن وافق السير فواضح، وإن اختلفا، أمكن الاجتساء بكل واحد منهما، لدلاله النص عليهما، و تقديم السير، لأن دلالة النص عليه أقوى إذ ليس لاعتبارها بالأذرع على المذكور نص صريح... ولأن الأصل الذي اعتمد عليه المنصف و جماعه في تقدير الفرسخ يرجع إلى اليوم، لأنه استدل عليه في التذكرة بأن المسافة تعتبر بمسير يوم للإيل السير العام و هو يناسب ذلك» (روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، ص ۳۸۳).

و علامه می‌گوید:

«الفرسخ ثلاثة أميال اتفاقاً، و الميل: أربعة آلاف ذراع؛ لأن المسافة تعتبر بمسير اليوم للإيل السير العام، و هو يناسب ما قلناه» (تذكرة الفقهاء، ۳۷۱/۴).

صاحب مدارک، درباره مسافت موجب کوتاه گزاردن نماز در سفر که آیا فاصله زمانی و پیمودن یک روزه راه معتبر است و یا فاصله مکانی و هشت فرسخ؟ می‌نویسد: شکی نیست در بسنده کردن به فاصله زمانی از فاصله مکانی و اگر مسافت به هر دو معیار، اعتبار شود و با هم اختلاف داشته باشند، ظاهرتر بسنده کردن در لزوم قصر نماز با رسیدن مسافت به یکی از این دو است. ولی جدم (شهید ثانی) در برخی از کتابهایش، مقدم داشتن فاصله زمانی و پیمودن یک روز راه را احتمال داده است، زیرا اولاً پیمودن یک روز راه قانونمندتر است و ثانیاً اصلی را که علامه حلی در اندازه گیری میل به آن تکیه کرده، به فاصله زمانی و پیمودن یک روز راه برمی‌گردد.^۱

محقق اردبیلی درباره تقدم یکی از این دو معیار، یعنی فاصله زمانی و پیمودن

یک روز راه و فاصله مکانی و پیمودن هشت فرسخ، می‌نویسد:

«الثالث: التفاضل بينهما غير ظاهر، إلا أن اليوم أقرب إلى فهم الأكثر و أسهل بخلاف

۱. عین عبارت مدارک الأحكام (۴۳۲/۴) چنین است: «الثانی: لاریب فی الاكتفاء بالسير عن التقدير. ولواعتبرت المسافة ههما و اختلفا فالأظهر الاكتفاء فی لزوم القصر ببلوغ المسافة بأحدهما، و احتمال جدی . قدس سره . فی بعض کتبه تقدیم السير، لأنه أضبط، و لأن الأصل الذي اعتمد عليه المصنف فی تقدير الميل و هو مناسبتة لمسير اليوم يرجع إليه».

الفراسخ.

والظاهر: أن أحدهما كاف و إن لم يصل إلى الآخر على تقدير التفاضل، و يكون حيثئذ الحد حقيقه هو الأقل» (۳۶۶/۳).

برتری میان این دو معیار، روشن نیست، جز این که معیار فاصله زمانی و پیمودن یک روز راه، به فهم بیشتر مردم نزدیک تر و آسان تر است به خلاف هشت فرسخ (که چنین نیست).

آنگاه نظر می دهد که: عمل به یکی از این دو معیار، کافی است گر چه به معیار دیگر نرسد در فرضی که دیگری برتر باشد و (قهرأ) در این صورت به حداقل، اکتفا می شود.

صاحب حدائق می نویسد:

«لاخلاف و لا إشكال في الإكتفا بالسير كما تكاثرت به الأخبار، و كذا لا إشكال في ما لو اعتبرت المسافة بالتقدير فوافق السير.

إنما الإشكال في ما لو اختلفا، فهل يتخير في العمل على أيهما كان و لزوم القصر ببلوغ المسافة بأحدهما أو أنه يقدم السير، لأنه أضبط أو يقدم التقدير؟...

واحتتمل في الروض تقديم السير، قال: لأن دلالة النص عليه أقوى، إذ ليس لاعتبارها بالأذرع على الوجه المذكور نص صريح... و لأن الأصل الذي اعتمد عليه المصنف و جماعة في تقدير الفرسخ يرجع إلى اليوم...» (بحرانی، ۳۰۵/۱۱).

اختلاف و اشکالی در (معیار فاصله زمانی) و پیمودن یک روز راه نیست همان گونه که روایات بسیار در این باره رسیده است، همچنین اشکالی نیست در صورتی که معیار فاصله زمانی و پیمودن یک روز راه با معیار فاصله مکانی و پیمودن هشت فرسخ راه مطابق باشد.

تنها اشکال در صورتی است که این دو معیار، با هم اختلاف داشته باشند (و مطابق نباشند)، آیا شخص مسافر در عمل به هر یک از این دو و لزوم قصر نماز اختیار

دارد یا اینکه معیار پیمودن یک روز راه که قانونمندتر است، مقدم است یا هشت فرسخ؟

شهید ثانی در *روض الجنان*، مقدم داشتن معیار فاصله زمانی و پیمودن یک روز راه را احتمال داده و گفته است: برای اینکه دلالت روایات بر این معیار، قوی تر است، زیرا (اولاً) برای اعتبار مسافت به چند ذرع یاد شده (در اندازه فرسخ)، روایت صریحی نیست؛ (ثانیاً) اصلی را که علامه حلی و جمعی از فقهاء در اندازه فرسخ به آن تکیه کرده اند به معیار فاصله زمانی و پیمودن یک روز راه برمی گردند... .

در رساله عملیه موسوم به *مجمع الرسائل*^۱ درباره شرط اول از شرایط قصر نماز آمده است:

«شرط اول آنکه سفر به قدر مسافت باشد که اگر کمتر باشد قصر نیست و مسافت، هشت فرسخ است یا به راه رفتن یک روز تمام، به راه رفتن قطاره شتر و قوافل، به راه متعارف در روز متوسط...».

۵- اتحاد حکم نماز و روزه در سفر

به موجب روایات، حکم نماز و روزه در حال سفر، یکی است و به تعبیری میان قصر و افطار ملازمه شرعی است.

معاویه بن وهب، از امام صادق (ع) در ضمن روایتی نقل می کند که آن حضرت فرمود: «هذا واحد إذا قصرت أفطرت و إذا أفطرت قصرت» (ابن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، ۴۳۷/۱؛ حرعاملی، ۱۳۰/۷).

در *مؤتفه سماعه*، آمده است: «و من سافر قصر الصلاة و أفطر»، (رک: ص ۱۹) هر

۱. رساله عملیه مزبور، محشی به حاشیه شماری از اعظام، آیات عظام و مراجع والامقام است همچون شیخ انصاری (۱۲۸۱، ۱۲۱۴ق)؛ میرزا محمدحسن حسینی معروف به میرزای بزرگ مجدد شیرازی (م ۱۳۱۲ق)؛ ملا محمد کاظم آخوند خراسانی (۱۳۲۹، ۱۲۵۵ق)؛ سید محمدکاظم طباطبایی یزدی معروف به صاحب *عروة* (۱۲۴۷ یا ۱۲۵۶، ۱۳۳۷ق)؛ میرزا محمدتقی شیرازی (م ۱۳۳۸ق)؛ شیخ محمدتقی اصفهانی معروف به آقا نجفی (م ۱۳۳۱ق)؛ سید محمداسماعیل موسوی صدر (۱۳۳۷، ۱۲۵۶ق)؛ میرزا محمدحسین نائینی (م ۱۳۵۵ق)؛ مؤسس حوزه علمیه قم، شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۵۵، ۱۲۷۶ق)؛ آقا ضیاء الدین عراقی (م ۱۳۶۱ق).

کس سفر کند نماز را کوتاه گزارد و روزه را بگشاید.

در صحیحۀ زراره و محمد بن مسلم، آمده است: «و قد سافر رسول الله (ص) إلى ذی خشب... فقصر و أفطر فصارت سنة» (رک: ص ۱۹).

رسول خدا (ص) به نقطه «ذی خشب» سفر کرد، نماز را کوتاه گزارد و روزه را گشود، و این سنت گردید.

در روایت فضل بن شاذان، آمده است: «و إذا قصرت أفطرت» (رک: ص ۲۲) در کتابهای فقهی نیز به اتحاد حکم نماز و روزه در حال سفر، تصریح شده است.

در *الانتصار*، آمده است: «ولا خلاف بين الأمة في أن كل سفر أسقط فرض الصيام و رخص في الإفطار فهو بعينه موجب لقصر الصلاة» (سیدمرتضی، ۱۶۰؛ علامه حلی، *مختلف الشیعه*، ۱۰۰/۳).

علامه حلی نیز تصریح می‌کند که یکی بودن شرایط درباره شکسته شدن نماز و روزه، اجماعی است (*تذکرة الفقهاء*، ۴۰۹/۴).

نتایج بحث

با توجه به بررسیهای تفصیلی انجام گرفته در نصوص و عبارات فقها نتایج کلی زیر به دست می‌آید:

نخست اینکه آنچه از استظهار درست از نصوص پیش گفته بر می‌آید و در عبارات بزرگان یاد شده هم آشکار گشته است اینکه معیار اصلی و تمام الموضوع برای قصر نماز همان مسیر یوم می‌باشد. تقدیر آن به مسافت هم به عنوان بیان مصداق و برای آسان گرداندن مسأله در فهم مردم و توجه دادن به این نکته بوده است که سیر متوسط مقصود است نه سیر سریع یا کند. واضح است که در آن زمان با چنین سیری مسافت هشت فرسنگ پیموده می‌شد.

دوم اینکه با پذیرش ملاک مسیر یوم دیگر سخن از تخییر و اکتفا کردن به هر

یک از آن دو به میان آوردن، بی مورد است چرا که تقدیر مسافت ملاک و موضوع حکم نیست. به هر حال با توجه به زمان صدور اکثر اقوال پیش گفته، تفاوت پدید آمده بین ملاک مسیر یوم و تقدیر مسافت در آن زمان قطعاً قابل توجه نبوده است و همین مسأله احتمالاً در ذهنیت آن فقیهان در قول به تخییر (اکتفا به هر یک از دو عنوان مسیر و تقدیر) مؤثر بوده است. اما امروزه که این تفاوت فاحش است سخن گفتن از اکتفا به مسیر یوم یا مسافت هشت فرسخ بسیار غریب به نظر می‌رسد.

سوم اینکه پس از تحولات ماشینی حاصل در زندگی بشر در قرون اخیر و تحول شگرف و جهش ناگهانی در صنعت حمل و نقل مسافتهای طولانی در مدت کوتاه و بدون مشقت و دردسر پیموده شد. در این شرایط نادیده گرفتن ملاک مسیر یوم و نگاه انحصاری به تقدیر مسافت از منطق درستی برخوردار نیست. اینکه در عبارت نقل شده از *مجمع الرسائل* که حاوی فتاوی فقیهان قرن اخیر است همچنان به تقدیر مسافت هشت فرسخی به عنوان یکی از دو طرف تخییر تکیه شده است و یا در رساله‌های عملیه زمان حاضر تنها به ذکر مسافت هشت فرسخ به عنوان شرط قصر اکتفا شده است از منطق استنباط دور است.

سرانجام به نظر نگارنده تقدیر مذکور در روایات مناسب شرایط صدور است و تمام الموضوع در مسأله مسیر عادی یوم است که در زمانهای حاضر با توجه به وسایل نقلیه متعارف و سرعتهای عادی می‌بایست تقدیر شود. این مسأله با حکمت تسهیل و رفع مشقت که در روایات ذکر شده است و نیز مفهوم عرفی سفر در زمان حاضر (رشیدرضا، ۱۵۱/۲) کاملاً هماهنگ است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۸۵ ق.
 _____، *علل الشرائع*، نجف اشرف، بی‌نا، ۱۳۸۵ ق.

- _____، *عیون اخبار الرضا(ع)*، نشر صدوق، ۱۳۷۳ش.
- _____، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش.
- ابن زین الدین، حسن، *منتقى الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه علی اکبر غفاری، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۵۲ش.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *المعنى*، تحقیق طه محمد الزینی، مکتبه القاهرة، ۱۳۸۸ق.
- اردبیلی، مولی احمد، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ش.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، تحقیق محمدتقی ایروانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- بروجردی، حسین، *البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر*، حسین علی منتظری نجف آبادی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
- جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذاهب الأربعة*، دارالإحياء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، بی تا، بی نا.
- جرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الإسلامیه، ۱۳۸۳ق.
- خمینی، روح الله و دیگران، *رساله توضیح المسائل*، تحقیق و تنظیم مسلمی زاده، انتشارات بارش، مشهد، ۱۳۸۱ش.
- خویی، *مستند العروة الوثقی*، (تقریرات درس آیه الله العظمی علامه سید ابوالقاسم خویی) مرتضی بروجردی، منشورات مدرسه دارالعلم، ۱۳۶۷ش.
- رازی، فخرالدین، *التفسیر الكبير*، بی تا، بی نا، بی جا، بی تا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، بی تا.

رشیدرضا، محمد، *تفسیر القرآن الکریم، مشهور به تفسیر المنار*، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بی تا.

زحیلی، وهبه، *التفسیر المنیر فی العقیلة و الشریعة و المنهج*، بیروت، دارالفکر المعاصر و دارالفکر، دمشق، بی تا.

_____، *الفقه الإسلامی و أدلته*، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۲ق.

سبزواری، محمدباقر، *ذخیره المعاد فی شرح الارشاد*، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، بی تا.

سید مرتضی، علی بن حسین، *الانتصار*، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، تحقیق سیدمحمد کلانتر، نجف اشرف، بی تا، بی نا، بی تا.

_____، *روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان*، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، بی تا.

طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله طباطبایی یزدی، شركة المعارف الإسلامیه، ۱۳۷۹ق.

طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، تحقیق سیداحمد حسینی، المكتبه المرتضویه، ۱۳۵۱ش.

طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تحقیق و تعلیق سیدحسن موسوی خراسان، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳ش.

_____، *تهذیب الأحکام*، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.

_____، *الخلاف*، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق.

عاملی، محمد بن علی، *مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام*، مشهد مقدس،

مؤسسه آل البيت(ع) لإحياء التراث، ١٤١٠ق.
 علامة حلبي، حسن بن يوسف، *تذكرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت(ع) لإحياء التراث،
 ١٤١٤ق.

_____ *مختلف الشيعة*، مؤسسه نشر اسلامي، ١٤١٨ق.
 فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سيوري، *كنز العرفان في فقه القرآن*، تهران، منشورات
 المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ١٣٨٤ق.
 فيض كاشاني، محمد محسن، *مفاتيح الشرائع*، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، مجمع
 الذخائر الإسلامية، ١٤٠١ق.

فيومي، احمد بن علي، *مصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي*، بي نا، بي تا.
 قاضي نعمان مغربي، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، تحقيق عارف نامر، بيروت،
 دار الأضواء، ١٤١٦ق.

كليني، محمد بن يعقوب، *الكافي*، دارالكتب الإسلامية، ١٣٩١ق.
 مسلم نيشابوري، مسلم بن حجاج، *صحيح مسلم بشرح النووي*، بيروت، دار إحياء
 التراث العربي، چاپ ١٣٤٧ق.
 منصور علي ناصف، *التاج الجامع للأصول في أحاديث الرسول(ص)*، بيروت،
 دار إحياء التراث العربي، ١٣٨١ق.
 نجفي، محمد حسن، *جواهر الكلام*، تحقيق شيخ عباس قوچاني، دارالكتب الإسلامية،
 ١٣٦٥ش.

نراقي، احمد بن مهدي، *مستند الشيعة في أحكام الشريعة*، مشهد مقدس، مؤسسه آل
 البيت(ع) لإحياء التراث، ١٤١٦ق.